

اولویتهای تولید از دیدگاه قرآن و روایات*

علی محمد میرجلیلی** و سمیه یوسفی***

چکیده

اسلام خواهان عزت و اقتدار مسلمانان در تمامی عرصه‌ها از جمله عرصه اقتصادی است و تولید مقدمه رسیدن به این هدف بزرگ است؛ از این رو، اسلام برای تولید اهمیت ویژه‌ای قائل شده و مسلمانان و پیروان خود را به فعالیت‌های مختلف تولیدی چون تولیدات کشاورزی، دامداری، صنعتی و نیز تجارت تولیدات این بخش‌ها در راستای توزیع و ترویج این سه بخش دعوت می‌کند.

با توجه به اینکه رسیدن به رشد تولید و خودکفایی مسلمانان و بی‌نیازی جستن از کشورهای کفر، روش‌ها و راهکارهای بی‌عیب و نقصی را می‌طلبد که از جمله آنها رعایت اولویتهای تولید است، در این نوشتار سعی بر آن است تا با استفاده از آیات قرآن و سخنان گهربار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به معرفی اولویتهای تولید از دیدگاه اسلام در راستای رسیدن به رشد و اقتدار اقتصادی مسلمانان بپردازیم. هدف از این نوشتار تشویق تولیدکنندگان به رعایت اولویتهای تولیدی است.

واژگان کلیدی: قرآن، روایات، کار، تولید، اولویتهای تولید.

* تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱ و تاریخ تأیید: ۹۴/۴/۴.

** دانشیار دانشگاه آیت الله حائری: almirjalili@yazd.ac.ir

*** دانش‌آموخته ارشد دانشگاه آیت الله حائری (نویسنده مسئول): usofisara@yahoo.com

مقدمه

اسلام در درجه اول سازمان‌های تولیدی را موظف به تولید کالاهایی کرده که وجود آنها به رفع نیازهای ضروری و حیاتی مردم کمک می‌کند و از آنها خواسته که استفاده از منابع تولید را در جهت تولید چنین کالاهایی در اولویت قرار دهند و تا زمانی که تولید کالاهای ضروری به حدی نرسیده که جوابگوی نیاز عموم باشد، صرف نیرو و امکانات برای تولید سایر کالاها را مجاز نمی‌داند؛ بنابراین، در نظام اقتصادی اسلام آنچه به میزان و نوع کالا و خدمات جهت می‌دهد، رفع نیاز عمومی جامعه به معنای واقعی صرف‌نظر از قدرت پولی مردم.^[۱] زیرا عدم تأمین نیازهای ضروری مردم موجب وابستگی اقتصادی به کشورهای بیگانه می‌شود و وابستگی اقتصادی، استقلال سیاسی و فرهنگی کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد که این مخالف نظر اسلام است؛ زیرا اسلام خواهان عزت و سربلندی جامعه مسلمان در بین دیگر جوامع است و هر گونه تسلط و وابستگی به بیگانه را نفی می‌کند: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء / ۱۴۱)؛ «خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است».

از پیامبر اکرم ﷺ نیز در این زمینه روایتی نقل شده که فرمود: «الْإِسْلَامُ يُعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ»؛ «اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۲۶ / ۱۴).

امام علی ع نیز وابستگی به دیگران را باعث اسارت می‌داند و می‌فرماید: «اسْتَعْنِ بِاللَّهِ عَمَّنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ وَ احْتَجِ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أُسِيرَهُ»؛ «از هر کس بی‌نیازی بجویی، همانند او خواهی بود و به هر کس نیازمند باشی برده و اسیر او هستی» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۰۰ / ۲۰۹).

۱۰

بنابراین در این تحقیق به سؤالات ذیل پاسخ داده می‌شود:

۱. قرآن و احادیث در راستای تأمین نیازهای ضروری مسلمانان و در نهایت رسیدن به استقلال و اقتدار اقتصادی و سیاسی آن چه فعالیت‌های تولیدی را توصیه می‌کند؟
۲. ترتیب این فعالیت‌ها بر اساس اولویت چگونه است؟

اولویت‌های تولید

در این بخش، اولویت‌های تولیدی از نظر اسلام مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. کشاورزی

الف) اهمیت کشاورزی

زمین، مادر انسان است. آدمی از آن خلق گردیده و به همان باز می‌گردد: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ﴾ (طه/ ۵۵)؛ «از این [زمین] شما را آفریده‌ایم، در آن شما را بازمی‌گردانیم» و مقومات زندگی و بقاء وی از آن است. رسول اکرم ﷺ نیز در این باره می‌فرماید: «تَمَسَّحُوا بِالْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمُّكُمْ وَ هِيَ بِكُمْ بَرَةٌ»؛ «با زمین (در نبود آب) مسح (تیمم) کنید که آن مادر (و زادگاه) شماست و او در حق شما نیکوکار است» (راوندی، النوادر، بی تا: ۹؛ شریف رضی، المجازات النبویه، ۱۴۲۲ق: ۲۵۱).

در این میان، کشاورزی و زراعت خود هدیه‌ای از زمین به انسان است تا بدان وسیله حیات پدید آمده و بشر قدرت زندگی را داشته باشد و تا کمال مطلوب سیر خود را ادامه دهد. لکن گاهی انسان از اهمیت کشاورزی در زندگی خود غافل است و تمام اهمیت یا بیشتر آن را صرف امور دیگر نظیر صنعت می‌کند. اسلام تأکید زیادی نسبت به کشاورزی و زراعت نموده است؛ زیرا غذا و مایحتاج زندگی مردم از این طریق حاصل می‌شود.

نقش کشاورزی در تأمین نیازهای غذایی مردم به اندازه‌ای است که امام علی (علیه السلام) سامان یافتن وضع سایر اقشار جامعه را در گرو سامان یافتن وضع کشاورزان داشته، خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «وَ تَقَدُّ أَمْرَ الْخَرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ صَلَاحًا لِمَنْ سِوَاهُمْ وَ لَأَ صَلَاحَ لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَاجِ وَ أَهْلِهِ» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۳۶، نامه ۵۳)؛ «خراج را به گونه‌ای واری کن که صلاح خراج‌دهندگان باشد؛ زیرا بهبودی خراج و خراج‌دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور خراج‌دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت؛ زیرا همه مردم نان خور خراج و خراج‌دهندگانند».

امام (علیه السلام) در جمله بعدی از این نامه می‌فرماید: «وَ لَيْكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِحْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بَغَيْرِ عِمَارَةِ أُخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ وَ لَمْ يَسْتَقِمْ أَمْرُهُ إِلَّا قَلِيلًا فَإِنْ شَكُوا ثَقَلًا أَوْ عِلَّةً أَوْ انْقِطَاعَ شَرْبٍ أَوْ بَأَلَّةٍ أَوْ

إِحَالَةَ أَرْضِ اغْتَمَرَهَا غَرَقٌ أَوْ أُجْحِفَ بِهَا عَطَشٌ خَفَّفَتْ عَنْهُمْ بِمَا تَرْجُو أَنْ يَصْلُحَ بِهِ أَمْرُهُمْ» (همان، ۴۳۶)؛ «و باید که توجه تو به آباد کردن زمین بیش از توجه به گرفتن خراج باشد، چه خراج جز در نتیجه آبادی فراهم نمی‌آید. هر کس بدون آباد کردن زمین خواستار خراج شود، کشور را خراب و مردم را هلاک کند و کار او جز اندکی راست نخواهد شد. پس اگر از زیادی مالیات (خراج) یا رسیدن آفت آسمانی یا قطع شدن آب یا باران یا خراب شدن بذر در نتیجه غرق شدن زمین در زیر آب، یا نابود شدن ماده غذایی از زمین شکایت کنند، باید چنان بار مردم را سبک کنی که کارشان اصلاح شود».

از این عبارت می‌توان فهمید که منظور از خراج دهندگان، «کشاورزان» هستند، بلکه در تعبیر شرع، مراد از خراج مالیاتی است که دولت اسلامی از زمین می‌گیرد (محقق کرکی، رسائل المحقق الکرکی، ۱۴۰۹: ۱/۲۶۶).

بنابراین، تهیه نیازهای غذایی مردم در درجه اول از طریق کشاورزی انجام می‌گیرد و اگر کشوری نتواند در این زمینه به خودکفایی برسد، به شدت آسیب‌پذیر شده و به ناچار وابسته به دیگران می‌شود.

اهمیت این امر را می‌توان در کلام پیامبر ﷺ جست‌وجو کرد: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ الْفَسِيلَةُ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسَهَا» (بروجردی، جامع الحديث، ۱۳۸۶: ۱۸/۴۳؛ پاینده، نهج الفصاحه، ۱۳۸۲: ۲۷۷)؛ «اگر در دست یکی از شما نهالی باشد و در همان لحظه قیامت بر پا شود، اگر بتواند آن نهال را غرس کند، باید این کار را انجام دهد»؛ بنابراین، اگر مردمی در تحصیل مواد غذایی خود به دیگری نیاز داشته باشند، هر گونه پیشرفت‌های صنعتی، ثمری به حال آنها ندارد و تحولات تکنولوژی نمی‌تواند بی‌نیازشان سازد؛ زیرا صنعت و تکنولوژی به خودی خود نمی‌تواند نان و خوراک مردم را ایجاد کند و این نان و مواد غذایی است که به انسان حیات می‌بخشد.

رهبران بزرگوار اسلام برای نشان دادن اهمیت این امر حیاتی، تنها به تأکیدات لفظی اکتفا نکرده و خود، شخصاً به این کار اشتغال ورزیدند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «وَمَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الزَّرْعَةِ وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَارِعًا إِلَّا إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ كَانَ حَيَّاطًا» (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷: ۶/۳۸۴؛ قمی، سفینه البحار، ۱۴۱۴ق: ۳/۴۶۴)؛ «از میان کارها چیزی در نزد خداوند محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه کشاورز بود بجز ادريس که حیاط بود».

ب) تشویق به کشاورزی

کشاورزی از این جهت که تأمین کننده نیازهای غذایی مردم و دام‌هاست، در اولویت نخست قرار دارد. این اهمیت به حدی است که خداوند در آیات بسیاری انسان‌ها را به پرداختن به این امر تشویق می‌کند؛ نظیر: «أَوْ لِمُ يَرَوْا أَنَا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزُ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعُمُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ» (سجده / ۲۷)؛ «آیا نمی‌بینند که آب را به زمین خشک و بی گیاه روانه می‌سازیم تا کشتزارها برویانییم و چارپایان و خودشان از آن بخورند؟ چرا نمی‌بینند؟».

درست است که این آیه در صدد توبیخ و تنبیه کفار است که چرا با وجود این همه نشانه های آشکار باز خداوند را انکار می‌کنند، می‌توان این برداشت را هم از آیه داشت که خداوند از طریق این آیه انسان‌ها را به سمت کاری سوق می‌دهد که از طریق آن نه تنها نیازهای حیاتی خود، بلکه نیازهای حیاتی چهارپایان خود را نیز می‌توانند تأمین کنند و آن کار پرداختن به امر کشاورزی است.

امام باقر (علیه السلام) در روایتی در زمینه تشویق به کشاورزی می‌فرماید: «خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْتُ تَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ أَمَّا الْبَرُّ فَمَا أَكَلَ مِنْ شَيْءٍ اسْتَعْفَرَ لَكَ وَأَمَّا الْفَاجِرُ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ لَعَنَهُ وَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبُهَائِمُ وَالطَّيْرُ» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۱۹ / ۳۳)؛ «بهترین اموال آن است که برزگری، بذری را بکارد و سپس از آن هر نیک و فاسدی بخورد. پس اگر نیکوکار از آن بخورد، برای تو طلب مغفرت کند و اگر فاجر و بدکار از آن استفاده برد، نفرین شود و نیز پرندگان و چهارپایان از آن می‌خورند». امام (علیه السلام) در این روایت بهترین اموال را زراعتی دانسته که همه به نوعی از آن بهره‌مند می‌شوند.

در روایتی دیگر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بهره‌مندی موجودات از محصولات کشاورزی، صدقه‌ای است که برای صاحب این محصولات لحاظ می‌شود: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» (بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ۱۳۸۶: ۲۳ / ۹۵۸)؛ «هیچ مسلمانی نهالی نمی‌کارد یا زراعت نمی‌کند که از آن، انسان یا پرندگان یا چهارپایان می‌خورند مگر اینکه برای او صدقه به شمار می‌رود».

بنابراین، در اقدام به کشاورزی صرف نظر از تأمین مایحتاج زندگی خود و دیگر موجودات و امرار معاش از طریق آن، اجر و پاداشی است که خداوند برای شخص کشاورز لحاظ

می‌کند. رسول اکرم ﷺ در روایتی در این زمینه می‌فرمایند: «مَنْ غَرَسَ غَرْسًا فَأَثْمَرَهُ أَغْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الثَّمَرِ» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸: ۱۳ / ۴۶۰؛ بروجردی، همان، ۹۵۸)؛ «کسی که نهالی را بکارد و آن نهال به ثمر بنشیند، خداوند به مقداری که از آن نهال ثمره به دست می‌آید، به وی اجر می‌دهد».

۲. دام‌پروری

الف) اهمیت دام‌پروری

دام یکی از مواردی هستند که انسان‌ها در تأمین نیازهای غذایی خود به آن نیازمند می‌باشند و حیات خود را بر آن قوام می‌نهند؛ از این رو، دین مقدس اسلام توجه خاصی به رشد این ثروت و سرمایه عظیم طبیعی نموده و قرآن مجید این ثروت را نعمتی بزرگ می‌خواند که خداوند آن را به بشر موهبت نموده می‌خواند و توجه فکری وی را به آن جلب می‌کند: «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوهَا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (غافر / ۷۹)؛ «خدا [همان] کسی است که چهارپایان را برای شما پدید آورد تا از برخی از آنها سواری گیرید و از برخی از آنها بخورید».

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَإِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ لِيُفَكِّرَ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ﴾ (نحل / ۶۶)؛ «و در دام‌ها برای شما عبرتی است: از آنچه در [لابلای] شکم آنهاست، از میان سرگین و خون، شیری ناب به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست».

بنابراین، بر انسان لازم است که خدای را در برابر این نعمت عظیم شکرگذار باشد و از بهترین استفاده را ببرد و بر آن بیشترین محافظت را نماید.

پیامبر اکرم ﷺ مردم را به اهمیت دامداری و رشد این سرمایه دعوت می‌کند تا جایی که تصریح می‌کند که دامداری شغل انبیا بوده است: «وَقَالَ ﷺ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا رَاعِيَ غَنَمٍ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۹۷ / ۶۱)؛ «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه چوپان گوسفند (دامدار) بود» تا احدی از اشتغال به آن کوتاهی نکرده و آن را تحقیر ننماید و کم و کوچک نشمارد. اسلام پیش از آنکه جهان معاصر سازمان حمایت حیوانات را بشناسد، دعوت-کننده و اهمیت دهنده به این سرمایه است و برای حیوانات حقوقی بر صاحبانشان و رفیق و

مهربانی و آزار نرسانیدن به آنها را قائل گردیده است. در این باره امام صادق (علیه السلام) فرمود: «لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتَّةٌ حُقُوقٌ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَلَا يَتَّخِذُ ظَهْرَهَا مَجَالِسَ يَتَحَدَّثُ عَلَيْهَا وَيَسْدَأُ بَعْلَفِهَا إِذَا نَزَلَ وَلَا يَسْمُمُهَا فِي وَجْهِهَا وَلَا يَضْرِبُهَا فِي وَجْهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ» (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۲/ ۶۲۵)؛ «بر صاحبان چهارپا شش وظیفه است: وی را بیش از طاقتش حمل نکند و پشت او را مجلسی برای سخن گفتن قرار ندهد و در هنگام رسیدن، اول غذای وی را دهد و وی را دشنام نداده و یا نقره داغ ننماید و ضربتی بر صورتش ننوازد که خدای را می‌خواند و نیز در هنگام عبور از آب وی را بر آن عرضه کند و آب به او رساند». بنابراین، آنچه گفته شد، بهترین دلیل بر توجه و اهمیت شریعت مقدس اسلام به امر دام‌پروری، چه از جهت اقتصادی یا جهات اخلاقی و انسانی می‌باشد.

ب) تشویق به دام‌پروری

دومین اولویت تولیدی بعد از کشاورزی، دام‌پروری است؛ زیرا رشد و پیشرفت در کشاورزی زمینه مناسب را برای فعالیت‌های دام‌پروری مهیا می‌سازد، از این‌رو، بر اساس سخنی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بهترین فعالیت تولیدی بعد از کشاورزی، دام‌پروری است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «سُئِلَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ قَالَ الزَّرْعُ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ وَأَصْلَحَهُ وَأَدَّى حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ قَالَ فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الزَّرْعِ خَيْرٌ قَالَ رَجُلٌ فِي غَنَمٍ لَهُ قَدْ تَبِعَ بِهَا مَوَاضِعَ الْقَطْرِ يُقِيمُ الصَّلَاةَ وَيُؤْتِي الزَّكَاةَ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵/ ۲۶۰)؛ «از پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال شد: کدام ثروت بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را به دست خود کشته و به ثمر رساند و زکات آن را بپردازد. عرض شد: پس از کشاورزی کدام دارایی بهتر است؟ فرمود: گله‌داری که خود گوسفندانش را در چراگاه‌های باران‌گیر می‌چراند و نماز می‌خواند و زکات می‌دهد».

بعد از کشاورزی، اکثر نیازهای مردم از طریق دامداری تأمین می‌شود؛ از این‌رو، در روایات از این امر مهم به «برکت» تعبیر شده است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده که فرمود: «قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) لِعَمَّتِهِ مَا يَمْنَعُكَ مِنْ أَنْ تَتَّخِذِي فِي بَيْتِكَ بَرَكَةً فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْبَرَكَةُ فَقَالَ شَاةٌ تُحْلَبُ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَتْ فِي دَارِهِ شَاةٌ تُحْلَبُ أَوْ نَعْجَةٌ أَوْ بَقَرَةٌ فَبَرَكَاتٌ كُلُّهُنَّ» (برقی، المحاسن، ۱۳۷۱: ۶۴۰)؛ «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عمه خود فرمود: چه چیز تو را مانع می‌شود از اینکه برکتی در خانه داشته باشی؟ گفت: یا رسول الله برکت کدام است؟ فرمود: گوسفندی شیرده و اگر کسی در خانه‌اش گوسفند یا بز یا گاو شیرده‌ای باشد، همه آنها برکنند».

روایاتی از این قبیل در تشویق انسان‌ها به دام‌پروری فراوان است و به وضوح دلالت دارد بر اینکه تأمین بسیاری از نیازهای خوراکی، پوشاک، وسایل رفاهی و ... از این طریق صورت می‌گیرد.

خداوند نیز در آیات بسیاری از قرآن مردم را به پرورش دام دعوت می‌کند:

﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ (نحل / ۵)؛ «و چهارپایان را خلق کرد که به (موی و پشم) آنها گرم می‌شوید و از آنها فواید بسیار دیگر برده و از (شیر و گوشت) آنها غذای ماکول می‌سازید». در این آیه نخست به مسئله خلقت چهارپایان که دلیلی بر علم و قدرت خداست و سپس به بیان وجود نعمت‌های گوناگون در آنها می‌پردازد و از میان این نعمت‌ها به سه چیز اشاره کرده است؛ نخست «دفع» که به معنای هرگونه پوشش است، دیگری «منافع» (یعنی شیر و مشتقات آن) و سوم گوشت که با جمله «و مِثْمَها تَأْكُلُونَ» بیان شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۱۵۸).

این آیه با بیان فواید موجود در چهارپایان به انسان‌ها می‌فهماند که با روی آوردن به این امر مهم می‌توانند بخش زیادی از احتیاجات خود را در زمینه خوراک، پوشاک و وسایل زندگی تأمین کنند بدون اینکه محتاج و وابسته به دیگران باشند. این خودکفایی و عدم وابستگی در آیه بعد به زیبایی به تصویر کشیده شده است: ﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ﴾ (نحل / ۶)؛ «و هنگامی که آنها را شبانگاه از چرا برمی‌گردانید یا صبحگاه به چرا بیرون می‌برید، زیب و افتخار شما باشند».

منظره جالب حرکت دسته جمعی گوسفندان و چهارپایان به سوی بیابان و چراگاه، سپس بازگشتشان به سوی آغل و استراحتگاه که قرآن از آن به «جمال» تعبیر کرده، تنها یک مسئله ظاهری و تشریفاتی نیست، بلکه بیانگر واقعیتی است در اعماق جامعه و گویای این حقیقت است که چنین جامعه‌ای خودکفاست، فقیر و مستمند و وابسته به این و آن نیست، خودش مولد است و مصرف کننده تولید خود است. این در واقع، جمال استغنا و خودکفایی جامعه است، جمال تولید و تأمین فرآورده‌های مورد نیاز یک ملت است و به تعبیر گویاتر جمال استقلال اقتصادی و ترک هرگونه وابستگی است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۱۵۹).

۳. صنعت

الف) اهمیت صنعت

امروزه تأمین بسیاری از نیازهای اساسی و حیاتی جامعه مستقیم یا غیرمستقیم به بخش صنعت وابسته است، حتی تولیدات بخش کشاورزی و دامپروری نیز از این امر مستثنا نیست؛ زیرا با توجه به رشد جمعیت، عدم استفاده از صنعت و ماشین آلات پیشرفته نه تنها با مشقت زیاد و سوددهی پایین همراه است، بلکه جوابگوی نیازهای مردم هم نیست. تولیدات بخش صنعت هم شامل تولیداتی است که تسهیل کننده تولیدات دیگر بخش‌هاست و هم شامل تولیداتی که در نیازهای روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرند و جزء کالاهای اساسی و ضروری به شمار می‌آیند.

قرآن توجه به این امر را هم از نظر دور نداشته و در آیات مختلف پرداختن به آن را گوشزد می‌کند؛ زیرا سومین بخش تولید در رسیدن به خودکفایی اقتصادی، بخش صنعت است و یک کشور باید بتواند کالاهایی را که حیات افراد یا قوام نظام جامعه به آن بستگی دارد، تولید کند. قرآن می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ﴾ (حدید/ ۲۵) و ﴿وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ يُأْذِنُ رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ وَ جَفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ وَ أَسَيْتٍ أَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ (سبأ/ ۱۲-۱۳).

اسلام خواهان عقب‌ماندگی مسلمانان در صنعت و تکنولوژی نیست به همین جهت خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِّنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾ (انفال/ ۶۰)؛ «و هر چه در توان دارید، از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید.»

و از مسلمانان می‌خواهد که به حرکت علمی و صنعتی خود ادامه داده، مهبای سبقت گرفتن از دشمنان اسلام شوند، البته به شرط آنکه در چارچوب اخلاق و ارزش‌های انسانی باشد.

ب) تولیدات اساسی بخش صنعت

بک - وسایل دفاعی و ابزار نظامی

بر اساس آیه ۶۰ سوره انفال (آیه پیش گفته) یکی از تولیدات اساسی بخش صنعت، ابزارهای نظامی است که هر جامعه‌ای برای حفظ اقتدار و امنیت خود به آن نیاز مبرم دارد و تولید آن در کمیت و کیفیت از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند در آموزش یک فن و صنعت به پیامبرش، ساخت یک وسیله دفاعی را در نظر گرفته و آموزش آن را خود بر عهده می‌گیرد: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِمَّا فُضِّلَ... وَآتَيْنَاهُ الْحَدِيدَ * أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي الْقُرْدِ وَ أَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (سبأ/ ۱۱-۱۲)؛ «و ما به داود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم ... و آهن را برای او نرم کردیم [و به او دستور دادیم] که از آهن زره فراخ و گشاد بسازد و حلقه زره به اندازه و یک شکل گردان و خود با قومت همه نیکوکار باشید که من کاملاً به هر چه کنید بینام».

در آیه دوم که خطاب به حضرت داود علیه السلام است، برای اینکه بتواند از دسترنج خود استفاده کند، چگونگی ساختن زره به او تعلیم داده شده است. این آیه به ما می‌آموزد که پیامبر خدا - که رئیس کشور دینی است - صنعتگری سازنده است و فایده صنعت وی تنها به خود او باز نمی‌گردد، بلکه سود اجتماعی دارد و به مردمان دیگر نیز می‌رسد؛ چه زرهی که پیامبر صنعتگر می‌سازد، برای امت او فایده‌ای بزرگ دارد و آنان را از شر دشمن در جنگ محافظت می‌کند. پس جامعه زنده در حال رشد، همواره نیازمند به تقویت صنایع، تشویق صنعت‌گران، گشودن راه‌های اکتشافات صنعتی و توجه کامل به استفاده از فنون جدید می‌باشد (حکیمی، الحیاة، ۱۳۸۰: ۴/۴۸۵).

بنابراین، استفاده از ابزارهای نظامی در دفاع از ارزش‌های اسلامی در برابر مخالفان خارجی و داخلی و اجرای عدالت در جامعه امری اجتناب‌ناپذیر است، چنانچه خداوند در سوره حدید پس از اینکه هدف خود را از ارسال پیامبران برقراری عدالت در جامعه می‌داند، از منافع آهن سخن به میان می‌آورد: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حدید/ ۲۵)؛ «ما پیامبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند و آهن را که در آن نیرویی سخت و منافی برای مردم است، فرو فرستادیم تا خدا بداند چه کسی به نادیده، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. زیرا خدا توانا و پیروزمند است».

با توجه به این آیه، پیامبران به سه وسیله مجهز بودند: دلائل روشن، کتب آسمانی، و معیار سنجش حق از باطل و خوب از بد. ولی از آنجا که به هر حال در یک جامعه انسانی هر قدر سطح اخلاق و اعتقاد و تقوا بالا باشد، باز افرادی پیدا می‌شوند که سر به طغیان و گردنکشی بر دارند و مانع اجرای قسط و عدل شوند، در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿وَ أَتْرَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ﴾؛ «ما آهن را نازل کردیم که در آن قوت شدیدی است، و نیز منافی برای مردم».

تجهیزات سه‌گانه انبیای الهی برای اجرای عدالت وقتی می‌تواند به هدف نهایی برسد که از ضمانت اجرایی آهن و «بأس شدید» آن برخوردار باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۷۳-۳۷۱).

دو- وسایل حمل و نقل

برای اینکه جامعه اسلامی بتواند تولیدات داخلی خود را افزایش دهد و در زمینه تولید در میان جوامع دیگر حرفی برای گفتن داشته باشد، به انتقال به موقع مواد اولیه به مراکز مختلف تولید در سراسر کشور و همچنین انتقال تولیدات خود به دست مصرف‌کنندگان، چه در داخل یا خارج کشور، نیاز دارد. این انتقال در زمان‌های گذشته به وسیله چارپایانی چون شتر، گاو و ... صورت می‌گرفت. این حیوانات بارهای سنگینی را که حمل آن برای انسان مشقت داشت و حمل آن جز به وسیله آنها مقدور نبود، به سمت مقصد مورد نظر حمل می‌کردند: ﴿وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لِّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَوُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (نحل / ۷)؛ «و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدن‌ها بدن نمی‌توانستید برسید. قطعاً پروردگار شما رئوف و مهربان است». با مرور زمان و پیشرفت علم، انسان امروز با وسایلی چون ماشین، هواپیما، کشتی و... نقل و انتقال را صورت می‌دهد: ﴿وَ الْحَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل / ۸)؛ «و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد]، و آنچه را نمی‌دانید، می‌آفریند». ممکن است عبارت ﴿يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ اشاره به وسایل نقلیه مدرن باشد؛ بنابراین، خداوند با خلقت وسایل حمل و نقل که در گذشته توسط چهارپایان و امروزه بیشتر با وسایل حمل و نقل پیشرفته ساخته دست انسان صورت می‌گیرد، مشقت حمل و نقل بارهای سنگین را از نفوس بشر برداشته و موجبات تسریع تولید کالا و خدمات را فراهم آورده است.

امروزه یکی از مهم‌ترین وسایل حمل و نقل ساخته دست بشر، کشتی‌های غول‌پیکری هستند که کالا و خدمات را به نقاط مختلف جهان انتقال می‌دهند و خداوند از آنها با عنوان «كَالْأَعْلَامِ» یاد کرده است: ﴿وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ (الرحمن / ۲۴)؛ «و او راست کشتی‌های بزرگ بادبان برافراشته مانند کوه که به دریا در گردشند».

«منشآت» جمع «منشأ» اسم مفعول از «انشاء» به معنای ایجاد است و جالب اینکه در عین تعبیر به منشآت که حکایت از مصنوع بودن کشتی به وسیله انسان می‌کند، می‌فرماید «و له» (از برای خداست ...) که اشاره است به اینکه مخترعان و سازندگان کشتی از خواص خداداد که در مصالح مختلفی که در کشتی‌ها به کار می‌رود، استفاده می‌کنند. همچنین از خاصیت سیال بودن آب دریاها و نیروی وزش بادهای بهره می‌گیرند، و خداست که در آن مواد و در دریا و باد این خواص و آثار را آفریده است (مکارم شیرازی، همان، ۱۲۹).

با توجه به آنچه گذشت، باید گفت که امروزه بشر برای رشد و پیشرفت در زمینه تولید به تولید وسایل حمل و نقل نیاز دارد تا به وسیله آنها علاوه بر تسریع بخشیدن در امر تولید، موجبات انتقال کالا و خدمات و در نتیجه فرهنگ خود را به مناطق مختلف داخلی و خارجی فراهم نماید.

ج) نقش کار و صنعت در اقتدار اقتصادی

یکی از تأثیرهای مهم کار و تولید، خودکفایی و بی‌نیازی مسلمانان از دیگران است. اهمیت و تشویق قرآن به کار و تولید نیز ریشه در این امر مهم دارد؛ زیرا خداوند بی‌نیاز است و خواستار بی‌نیازی مسلمانان در همه جوانب از جمله جنبه اقتصادی است.

ذیل آیه ﴿أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحاً إِيَّيَّ مَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (سبا / ۱۱) از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَلِيِّ دَاوُدَ عليه السلام أَنْتَكَ نِعْمَ الْعَبْدُ لَوْ لَا أَنَّكَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَلَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئاً قَالَ فَبَكَى دَاوُدُ عليه السلام أَرْبَعِينَ صَبَاحاً فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْحَدِيدِ أَنْ لِنُ لِعَبْدِي دَاوُدَ فَأَلَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْحَدِيدَ فَكَانَ يَعْمَلُ كُلَّ يَوْمٍ دِرْعاً فَيَبِيعُهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ فَعَمِلَ ثَلَاثِمِائَةَ وَسِتِّينَ دِرْعاً فَبَاعَهَا بِثَلَاثِمِائَةِ وَسِتِّينَ أَلْفاً وَاسْتَعْنَى عَنْ بَيْتِ الْمَالِ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵ / ۷۴؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۸ / ۵۹۷)؛ «خدای بزرگ به داود علیه السلام وحی فرستاد که تو اگر از بیت‌المال نمی‌خوردی و با دست خود کار می‌کردی، بنده خوبی بودی، پس داود علیه السلام چهل روز گریست.

آن گاه خدا به آهن وحی (اشاره) کرد که در دست بنده من داود نرم باش. بدینسان خدای بزرگ آهن را برای او نرم کرد، و او هر روز یک زره می‌بافت و به هزار درهم می‌فروخت. سیصد و شصت زره بافت و آنها را به سیصد و شصت هزار درهم فروخت و از بیت‌المال بی‌نیاز شد».

بر اساس این آیه و حدیث، یکی از معیارهای انسان خوب و کامل، بی‌نیازی اقتصادی او از دیگران است و خداوند با در اختیار قرار دادن ابزار تولید و یاد دادن هنر تولید زره به پیامبرش داود علیه السلام او را از نیازمندی به بیت‌المال رها کند.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: «شِرَاءُ الْحِنْطَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَشِرَاءُ الدَّقِيقِ يُنْشِئُ الْفَقْرَ وَ شِرَاءُ الْخُبْزِ مُحَقٌّ قَالَ قُلْتُ لَهُ أَبْتَاعَكَ اللَّهُ فَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى شِرَاءِ الْحِنْطَةِ قَالَ ذَاكَ لِمَنْ يَقْدِرُ وَلَا يَفْعَلُ» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۶۷)؛ «خرید گندم فقر را دور می‌کند و خرید آرد فقر می‌آورد و خرید نان (مایه) نابودی است گفتیم: فدایت شوم کسی که قادر به خرید گندم نیست، چه کند؟ فرمود: این برای کسی است که قادر باشد و انجام ندهد».

در این حدیث نیز بر نقش کار و تولید در رهایی از وابستگی و نیازمندی به دیگران اشاره شده است. از مجموع این دو حدیث می‌توان نتیجه گرفت که انسان‌ها باید با استفاده از امکاناتی که خداوند در اختیارشان قرار داده، نهایت استفاده را کرده و با کار و تولید بیشتر زمینه خودکفایی خود و دیگران را فراهم سازند و انجام ندادن این کار در عین اینکه بتوانند انجام دهند، وابستگی و نابودی را در پی دارد.

۴. تجارت سالم، عاملی در ترویج تولید

الف) اهمیت تجارت

اسلام برای تجارت و بازرگانی اهمیت زیادی قائل شده و انسان‌ها را به سوی آن دعوت می‌کند؛ زیرا تجارت علاوه بر اینکه از نظر اقتصادی یکی از راه‌های مهم درآمد و اداره مسائل مالی، کمبودها، مشکلات زندگی و برآورده کننده نیازهای اجتماعی می‌باشد، می‌تواند باعث حفظ شخصیت و سیانت شرف انسانی در جامعه و نیز فعال ساختن آن و دوری از سستی و تنبلی و در نتیجه عدم سقوط اجتماعی باشد. اهمیت این موضوع را در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌توان ملاحظه کرد: «لَا تَدْعُوا التِّجَارَةَ فَتَهُونُوا، اتَّجِرُوا بَارِكَ اللَّهُ لَكُمْ»

(کلینی، همان، ۱۴۹؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۱۷/۱۲۴؛ هاشمی خویی، منهج البراعه، ۱۴۰۰: ۱۴/۳۱۱)؛ «از تجارت و کسب کناره گیری نکنید که (به علت نیاز به دیگران) اهانت می شوید، داد و ستد کنید خداوند به شما برکت می دهد».

درست است که اسلام دعوت کننده انسان ها به سوی تجارت و بازرگانی است، اما به این شرط که از محدوده رعایت احکام و مقررات شریعت مقدس اسلام خارج نشوند. اسلام به همان اندازه که بر تجارت های مفید و پرسود اجتماعی اهمیت داده است، به همان اندازه نیز از کسب و تجارت های فاسد و مضر به منافع یک جامعه بر حذر داشته است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ (نساء/ ۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال همدیگر را به ناروا نخورید - مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما [انجام گرفته] باشد - و خودتان را مکشید؛ زیرا خدا همواره با شما مهربان است».

به همین دلیل، اسلام از هر گونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلایی در آن نباشد، خرید و فروش وسائل فساد و گناه بر حذر داشته است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳/۳۵۵).

در اهمیت بازرگانی در اسلام همین بس که بخشی از اجتماع عظیم مسلمانان برای انجام مراسم مذهبی و سیاسی در مراسم حج، خانه خدا را برای تجارت و بازرگانی قرار می دهند و ملت های مختلف از امت بزرگ اسلامی که به آن دیار برای زیارتی عظیم رهسپار می شوند، می توانند بدون احساس هیچ گونه گناه و مشکلی به داد و ستد بپردازند: ﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ﴾ (بقره/ ۱۹۸)؛ «بر شما گناهی نیست که [در سفر حج] فضل پروردگارتان [روزی خویش] را بجوید».

ب) رابطه تجارت با تولید

تجارت در جوامع اولیه که تولیداتشان معمولاً برای مصارف شخصی و حاجت های در نهایت ساده خود بوده و احتیاجی به مبادله کالا پدید نمی آمده، وجود نداشته، بلکه از آن زمان که تقسیم کار صورت گرفت و هرکس رشته تولیدی خاصی را پیشه خود نمود و در آن رشته محصولی بیش از اندازه احتیاج خود تولید کرد، شایع گردید.

پس از این مرحله که بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان واسطه ای نبود، تجارت گسترش بیشتری یافت و دسته سوّمی در نقش واسطه میان آنان، ظاهر شده و مقادیر اضافی اجناس تولید شده را که به بازار عرضه می‌شد، به قصد فروش به خواستاران و نه به جهت مصرف شخصی می‌خریدند.

بدین ترتیب، کم‌کم امور تجاری رونق گرفت و رو به افزایش نهاد تا آنجا که در اغلب موارد واسطه‌هایی که خود مولّد نبودند، میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فاصله انداختند (تهرانی، اقتصاد ایرانی، ۱۳۵۲: ۲۵۲).

در تمام دوران و با همه اشکال مختلف، تجارت مسبوق به کار تولیدی است و بدون تولید امکان‌پذیر نیست. این عمل در اقتصاد تمامی اجتماعات، نافع و مؤثر است؛ زیرا وسیله تأمین احتیاجات متقاضیان کالاها و سبب انتقال اجناس اضافی تولیدکنندگان، بوده است، به خصوص در صورتی که واسطه، انتقال‌دهنده کالای مصرفی از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر باشد. به همین دلیل، امام علی (علیه السلام) در فرمانش به مالک اشتر، بازرگانان را در کنار صنعت‌گران قرار داده، آنها را منشأ منفعت معرفی می‌کند و به مدارا و نیک رفتاری با این دو گروه سفارش می‌کند. حضرت دلیل مدارا با گروه بازرگانان را انتقال کالاهای مورد نیاز مردم از مناطق دور و نزدیک، هموار یا صعب‌العبور بیان می‌کند: «ثُمَّ اسْتَوْصُ بِالْتَّجَّارِ وَ ذَوَى الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْراً الْمَقِيمِ مِنْهُمْ وَ الْمُضْطَرِّبِ بِمَالِهِ وَ الْمُتَرَفِّقِ بِيَدَيْهِ فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ وَ أَسْبَابُ الْمَرَافِقِ وَ جَلَابِئِهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ فِي بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ وَ سَهْلِكَ وَ جَبَلِكَ وَ حَيْثُ لَا يَلْتَمِئُ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا وَ لَا يَجْتَرُونَ عَلَيْهَا فَإِنَّهُمْ سِلْمٌ لَنَا تَخَافُ بَأَيْقَتَهُ وَ صَلُحٌ لَنَا تَخْشَى غَائِلَتَهُ وَ تَقْفَدُ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ ...» (شریف‌رضی، المجازات النبویه، ۱۴۱۴: ۴۳۸، نامه ۵۳)؛ «در باره بازرگانان و اهل صنعت سفارش نیک کن، خواه آنان که در شهرها مقیم باشند یا آنان که میان این شهر و آن شهر با مال خود در آمد و شدند که اینان مایه منافع و اسباب آسایش و آورنده کالاها از جاهای دور از دریا و خشکی و کوه و دشتند و این همه چیزها را از جاهایی می‌آورند که مردمان را نیرو و جرئت رفتن به آن گونه جاها نیست. پس آنان صلح و سلمی هستند که بیمی از حيله و مکر و بدبختی در آن نمی‌رود و باید که به امور ایشان چه در حضور خودت و چه در اطراف کشورت رسیدگی شود ...».

بنابراین، با توجه به سخنان حضرت امیر (علیه السلام) بخش بازرگانی یکی از بخش‌های ضروری اقتصاد هر جامعه است و در صورت ساماندهی صحیح می‌تواند نقش حمایتی مؤثری در تقویت تولید ملی و دفاع از حقوق مصرف‌کنندگان ایفا نماید.^[۲]

متأسفانه در عصر حاضر، بسیاری از خدمات تجاری، به ویژه در کشورهای جهان سوم، جنبه دلالی صرف یافته و نقش مثبت اقتصادی خود را از دست داده است. سیطره روحیه خودخواهی بر تجارت، آن را از وضع طبیعی خود منحرف ساخته و آن را به یک فعالیت بسیار سودآور، بدون انجام یک کار مفید تبدیل نموده است (دادگر، مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی، ۱۳۷۹: ۱۴۱). اسلام این شیوه از تجارت را محکوم نموده و بر اساس آنچه در کلام امام علی (علیه السلام) آوردیم، تنها تجارتی را تجویز می‌کند که نوعی کار مفید اقتصادی باشد. امام (علیه السلام) در زمینه خطر تجارت ناصحیح می‌فرماید: «وَاعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَ شَحًّا قَبِيحًا وَ اخْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبَيْعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ فَاَمْنَعُ مِنَ الْاِخْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنَعَ مِنْهُ وَ لَيْكُنَ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمْحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَ الْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَكَلَّفْ بِهِ وَ عَاقِبَةُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۳۸، نامه ۵۳)؛ «و با این وصف، بدان که در میان کاسبان و بازرگانان بسیار کسانی که معاملتی بد دارند، بخیلند و احتکار می‌کنند، و در داد و ستد اجحاف روا می‌دارند. و اینها همه باعث زیان همگان است و عیب بر والیان. پس از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا ﷺ از آن منع فرمود. و باید که خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد، و با نرخ‌هایی نه به زیان فروشنده و نه به زیان خریدار. و آن کس که پس از منع تو دست به احتکار زند، او را کیفر ده تا مایه عبرت دیگران گردد و در کیفر دادن زیاده روی مکن».

روایات نهی از تلقی رکیان - که از پیشواز کاروان‌های تجاری رفتن و واسطه شدن در فروش کالای روستاییان و فاصله افکندن میان آنان و خریداران شهری، منع نموده‌اند (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۲۷۳/۳) نیز بر از میان برداشتن هرگونه واسطه و طفیلی‌گری غیرانتفاعی در جریان تولید و رفع نیازمندی‌های اقتصادی عمومی دلالت دارد و تنها واسطه‌گری مفید اقتصادی را که سبب کاهش هزینه مبادله بین خریدار و فروشنده می‌شود، تجویز می‌کنند.

نتیجه

قرآن و حدیث خواهان رشد و تعالی و برتری مسلمانان در تمامی زمینه‌ها از جمله زمینه اقتصادی است و بدین منظور آنان را به کار و تلاش در جهت رشد تولیدات داخلی - از لحاظ کمی و کیفی و بی نیازی از دیگران دعوت می‌کند و راه‌کارهایی چون کشاورزی، دام‌پروری، صنعت و تجارت را توصیه می‌کند.

در این میان، کشاورزی از این جهت که تأمین‌کننده نیازهای غذایی مردم و دام‌هاست، در اولویت نخست قرار دارد. دومین اولویت تولیدی، دام‌پروری است؛ زیرا رشد و پیشرفت در کشاورزی زمینه مناسب را برای فعالیت‌های دام‌پروری مهیا می‌سازد. با توجه به اینکه امروزه تأمین بسیاری از نیازهای اساسی و حیاتی جامعه مستقیم یا غیرمستقیم به بخش صنعت وابسته است و حتی تولیدات بخش کشاورزی و دام‌پروری نیز از این امر مستثنا نیست، پرداختن به صنعت در اولویت سوم قرار می‌گیرد.

و تجارت چون علاوه بر اینکه از نظر اقتصادی یکی از راه‌های مهم درآمد و اداره مسائل مالی و کمبودها و مشکلات زندگی و برآورده‌کننده نیازهای اجتماعی می‌باشد، می‌تواند باعث حفظ شخصیت و صیانت شرف انسانی در جامعه و نیز فعال ساختن آن و دوری از سستی و تبلی و در نتیجه عدم سقوط اجتماعی باشد در اولویت آخر قرار می‌گیرد.

پیوست‌ها

[۱] امام صادق (علیه السلام): «وَ أَمَّا تَفْسِيرُ الصَّنَاعَاتِ فَكُلُّ مَا يَتَعَلَّمُ الْعِبَادُ أَوْ يُعَلِّمُونَ غَيْرَهُمْ مِنْ أَصْنَافِ الصَّنَاعَاتِ ... وَأَنْوَاعِ صُنُوفِ الْأَلَاتِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْعِبَادُ مِنْهَا مَنَافِعُهُمْ وَ بِهَا قِوَامُهُمْ وَ فِيهَا بُلْغَةُ جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ فَحَلَالٌ فِعْلُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ فِيهِ لِنَفْسِهِ أَوْ لِغَيْرِهِ ...»؛ «امّا صنعت‌ها، همه صنعت‌هایی را که مردمان یاد می‌گیرند یا یاد می‌دهند شامل می‌شود، ... و انواع مختلف آلاتی که مردمان به آن‌ها نیاز دارند و از آن‌ها سود می‌برند و مایه قوام زندگی آنهاست، و وسیله‌ای برای دست یافتن به همه نیازمندی‌های دیگر است؛ پرداختن به کار با همگی این‌ها و تعلیم دادن آن‌ها، چه برای خود و چه برای دیگران حلال است» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۱۷ / ۸۵).

[۲] برخی صاحب نظران اقتصادی عملیات بازرگانی را کار تولیدی دانسته‌اند و گروهی دیگر بازرگانی را ادامه کار تولید و کار خدماتی قلمداد کرده‌اند. شهید صدر در کتاب اقتصادنا تجارت را یک نوع کار تولیدی بیان کرده و دلیل خود را این قسمت از سخن امام علی (علیه السلام) بیان می‌کند که امام (علیه السلام) بازرگانان و صنعت‌گران را در کنار هم قرار داده و هر دو را منشأ منفعت معرفی نموده است. ایشان نقل و انتقال منابع تولیدی، کالا و خدمات را چه به صورت عمودی مانند استخراج مواد اولیه از اعماق زمین و چه به صورت افقی مانند بردن کالا به بازار فروش، کار تولیدی دانسته که در هر دو حالت، کالا تغییر شکل یافته و برای رفع نیاز انسان آماده شده است؛ بنابراین، ایشان دو ویژگی را برای تولید ذکر می‌کند: انجام کار و ایجاد منفعت (صدر، اقتصادنا، ۱۳۵۷: ۲ / ۳۰۷-۳۰۳). با توضیحات داده شده به نظر می‌رسد که منظور شهید صدر از تولیدی دانستن تجارت، تولید خدمات باشد نه اینکه ایشان تجارت را جدا از خدمات به شمار بیاورند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
۴. بروجردی، آقا حسین، جامع أحادیث الشيعة، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۶. تهرانی، علی، اقتصاد اسلامی، مشهد: چاپ خانه خراسان، ۱۳۵۲ش.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۸. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۹. دادگر، یدالله و نجفی، محمد باقر، مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی، کرمانشاه: نجیا، ۱۳۷۹ش.
۱۰. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، قم: دار الکتب، بی تا.
۱۱. شریف رضی، محمد بن حسین، المجازات النبویة، تصحیح مهدی هوشمند، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
۱۲. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۳. صدر، محمد باقر، اقتصادنا، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۵۷ش.

۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام علی (علیه السلام)، ۱۴۰۶ ق.
۱۷. قمی، عباس، سفینه البحار، قم: انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. محقق کرکی، علی بن الحسین، رسائل المحقق کرکی، تحقیق محمد حسون، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله نجفی و دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
۲۲. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، چاپ چهارم، ترجمه حسن زاده آملی و محمد باقر کمره‌ای، تهران: المکتبه الإسلامیه، ۱۴۰۰ ق.